

نهادسازی در سبک رهبری حضرت امام خمینی^{ره}

قدسی علیزاده سیلاب*

زاهد غفاری هاشجین**

یوسف ترابی***

چکیده

هدف اصلی مقاله حاضر شناخت و تحلیل نهادسازی در اندیشه سیاسی و سیره عملی امام خمینی^{ره} است. به منظور پاسخ به پرسش‌های مقاله از روش تحلیل اسنادی که از انواع روش‌های کیفی است استفاده شده است. با این روش، اسناد و مدارک موجود شامل کتاب‌ها، مقالات و پایان‌نامه‌ها و اسناد بررسی شده است. در این راستا با بررسی نهادسازی در اسلام و براساس اصل ولایت فقیه، امام خمینی^{ره} به عنوان رهبر و زمامدار جامعه اسلامی اقدام به نهادسازی جهت تأسیس و تثبیت نظام جمهوری اسلامی نمودند. با بررسی اندیشه سیاسی امام خمینی^{ره} مؤلفه‌هایی چون توجه به ارزش‌های جامعه و شرایط خاص و نیازهای زمان در نهادسازی ایشان تأثیرگذار بوده‌است. همچنین می‌توان گفت در اندیشه سیاسی و سیره عملی امام خمینی^{ره} به عنوان ولی فقیه و رهبری سیاسی-مذهبی، نهادسازی از جایگاه ویژه برخوردار بوده است و ایشان از امر نهادسازی در راستای دولت‌سازی غافل نبودند. از این رو پس از بررسی اندیشه سیاسی ایشان، در ادامه تلاش شده است؛ شواهدی از نهادسازی امام خمینی^{ره} براساس کارکردهای مختلف و با توجه به مؤلفه‌های بیان شده به تفکیک ارائه شود. ارائه و معرفی نهادهای سیاسی، تقنینی، قضایی، علمی-فرهنگی، نظامی و خدماتی، به صورت مقطعی و دائمی، از جمله شواهد نهادسازی در دوران رهبری امام خمینی^{ره} هستند. از آنجا که ایشان به نهادسازی در زمینه‌های مختلف اقدام کرده‌اند؛ افزون بر کمک به دولت‌سازی، تثبیت و تحکیم آن و ایجاد ثبات در جامعه انقلابی، موجب پایداری نظام پس از انقلاب، نیز شدند. بدین ترتیب با تأسیس نهادهای جدید، تقویت و حمایت نهادهای تأسیس شده در زمینه‌های مختلف و در شرایط خاص توان بالای خود را در ایجاد دولت‌سازی پس از انقلاب اثبات کردند.

واژگان کلیدی: امام خمینی^{ره}، نهادسازی، ارزش‌های جامعه، شرایط خاص، نیازهای زمان.

۱. این مقاله مستخرج از رساله دکتری است.

gh.alizadeh88@yahoo.com

z_ghafari@shahed.ac.ir

utorabi14@gmail.com

** دانشجوی دکتری مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی، دانشگاه شاهد، تهران

** استاد علوم سیاسی دانشگاه شاهد، تهران (نویسنده مسئول)

** دانشیار علوم سیاسی دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۲/۱۰ تاریخ تأیید: ۱۳۹۹/۶/۱۵

مقدمه

مطالعه نهادهای سیاسی، یکی از موضوعات اصلی رشته علوم سیاسی است؛ زیرا نهادها از جمله راه‌حل‌های درگیری‌ها و تنظیم رفتار افراد محسوب می‌شوند. این نهادها موجب کاهش تنش‌های سیاسی و اقتصادی شده؛ اما با کاستی‌های خود نیز می‌توانند موجب افزایش تنش‌ها شوند. بدین ترتیب نهادها مقولاتی اجتماعی‌اند که حاصل اجماع و توافق آگاهانه یا ناآگاهانه هستند. نهادها با کاهش تضادها و مشخص کردن معیارهایی برای رفتارهای فردی و اجتماعی امکان ایجاد وفاق و وحدت در جامعه را فراهم می‌نمایند. اجماع، وفاق، تعارض، دموکراسی، مدارا، همکاری، هماهنگی، مخالفت و هریک از مناسبات اجتماعی تحت تأثیر و نفوذ مستقیم و غیر مستقیم نهادها هستند. همچنین معیار موفقیت یک انقلاب، با استقرار نهادهایی که بنا نموده مشخص می‌شود. از آنجا که استقرار نظام جمهوری اسلامی نیز نیازمند نهادسازی در زمینه‌های مختلف بود؛ امام علیه السلام با نهادسازی در جهت تأسیس و تثبیت آن نقش مهمی در این زمینه ایفا نموده‌اند. بنابراین بررسی اندیشه سیاسی و سیره عملی ایشان به‌عنوان مرجع سیاسی ایران حائز اهمیت است. لذا هدف اصلی پژوهش حاضر شناخت و تحلیل نهادسازی در سبک رهبری امام علیه السلام است. بر این اساس پژوهش حاضر بر آنست تا به دو پرسش اصلی پاسخ دهد: ۱. چارچوب مفهومی و نظری نهادسازی در اسلام چیست؟ ۲. نهادسازی در اندیشه سیاسی و سیره عملی امام خمینی علیه السلام چگونه انجام گرفته است؟ به منظور پاسخ به این سؤالات، از روش تحلیل اسنادی که از انواع روش‌های کیفی است استفاده شده و اسناد و مدارک موجود شامل کتب، مقالات و پایان‌نامه‌ها و اسناد بررسی شده است.

الف) چارچوب مفهومی و نظری نهادسازی

با توجه به اهمیت نقش نهادها در ایجاد ثبات و آرامش جامعه، در بحث چارچوب مفهومی به بررسی نهاد و نهادسازی از دیدگاه اسلام پرداخته می‌شود. نهاد که در مواردی از آن با عنوان مؤسسه یا سازمان نیز اشاره شده است؛ در یک تعریف عام الگوی رفتاری مداوم، منظم، پیچیده و جامع است که براساس آن کنترل اجتماعی انجام می‌شود و نیازهای اساسی اجتماعی برطرف می‌گردد (کوئن، ۱۳۸۴). در پژوهش حاضر نهاد و مصادیق آن، چه در بحث چارچوب مفهومی و نظری اسلام و چه در بحث سیره عملی امام خمینی علیه السلام بر همین اساس ارائه شده است. به منظور پاسخ به سؤال اول پژوهش ابتدا به بررسی نهادسازی در اسلام پرداخته؛ سپس با بررسی سیره عملی معصومان علیهم السلام، شواهدی از موارد نهادسازی در سیره عملی آنان ارائه می‌شود.

۱. مبانی نهاد و نهادسازی در اسلام

۱-۱. آیات قرآن

مهم‌ترین نهادی که در قرآن از آن یاد شده؛ مسجد است؛ در صدر اسلام نهاد مسجد از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است؛ زیرا افزون‌بر انجام اعمال عبادی، نهادی برای انجام فعالیت‌های اداری، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، قضایی و نظامی مسلمانان محسوب می‌شد. می‌توان گفت مسجد از ویژگی محدودیت‌سازی و امکان‌سازی یک نهاد برخوردار است. همچنین مسجد به‌عنوان نهاد فرهنگ‌ساز اسلامی و تأثیرگذار بر الگوی رفتاری مسلمانان در تمام امور، در شکل‌گیری فرهنگ و هویت مسلمانان نقش مهمی ایفا می‌نماید، از این رو به دلیل اهمیتی که نهاد مسجد در زندگی فردی و اجتماعی مسلمانان دارد؛ خداوند در قرآن ۲۸ بار در آیات متعدد و با موضوعات مختلف نهاد مسجد را به کار برده و بر آن تأکید فرموده است (بقره، ۱۱۴؛ ۱۷، ۱۸، ۱۰۷، ۱۰۸، توبه؛ اعراف، ۲۹ و ۳۱؛ حج، ۴۰؛ نور، ۳۶...).

۲-۱. سیره معصومان علیهم السلام

براساس مبانی فکری، اعتقادی و اندیشه سیاسی شیعه، در نظام سیاسی اسلام از آنجا که خداوند سرمنشأ همه چیز است؛ لذا حاکمیت سیاسی اصالتاً از آن خداوند است، در تفکر شیعه پس از خداوند سزاوارترین و شایسته‌ترین افراد برای اداره و رهبری جامعه اسلامی پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه معصومان علیهم السلام هستند و براساس آیه «أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» اطاعت از آنان واجب است. براساس این تفکر در زمان غیبت امام معصوم علیه السلام این مهم بر عهده فقهای جامع شرایط عالم، عادل و آگاه به شرایط زمان بوده و رهبری جامعه اسلامی بر عهده ایشان است. بر این اساس نظام حکومتی اسلام بر مبنای نظریه ولایت فقیه و به صورت کامل آن ولایت مطلقه فقیه استوار است. هرچند سابقه تاریخی نظریه ولایت فقیه به زمان ائمه معصومان علیهم السلام برمی‌گردد و دارای پیشینه طولانی است؛ اما تشکیل جمهوری اسلامی بر مبنای نظریه ولایت فقیه تنها شکل مشروع و رسمی حکومت اسلامی در زمان غیبت امام معصوم علیه السلام و از سوی وی به شمار می‌رود. بدین ترتیب می‌توان گفت پیامبر صلی الله علیه و آله به‌عنوان رهبر و زمامدار جامعه اسلامی، در جهت هدایت و رهبری امت اسلامی اقدام به تأسیس حکومت نموده و بر همین اساس در جهت ایجاد نظم و وحدت جامعه اسلامی اقداماتی را انجام دادند. از اقدامات حکیمانه پیامبر صلی الله علیه و آله پس از تأسیس حکومت، نهادسازی بود؛ نهادهایی که پیامبر صلی الله علیه و آله تأسیس کردند یا وجود نداشتند؛ یا اگر وجود داشتند، تحول جدی در آنها ایجاد نمودند (علیدوست، ۱۳۹۶). اولین اقدام پیامبر صلی الله علیه و آله پس از

هجرت ساخت نهاد مسجد است (شهیدی، ۱۳۸۵، ص ۶۰). با تأسیس مسجد توسط پیامبر ﷺ در مدینه، مرکز سایر نهادهای اداری، سیاسی، اجتماعی، قضایی، فرهنگی و نظامی، نیز در مسجد بنا شد. بدین ترتیب امور جامعه اسلامی در مسجد ساماندهی و فرامین پیامبر ﷺ در زمینه‌های مختلف به اجرا درمی‌آمد. بدین ترتیب پیامبر ﷺ به‌عنوان رهبر جامعه اسلامی در اقدام نخست خود، جهت برپایی حکومت اسلامی اقدام به نهادسازی نمودند. با ورود پیامبر ﷺ به مدینه و تقسیم کار دقیق‌تر در زمینه اداره جامعه اسلامی، نهادهایی با کارکردهای مختلف از سوی ایشان تأسیس شد؛ در ادامه به اختصار به برخی از نهادسازی‌های صورت گرفته توسط پیامبر ﷺ و ائمه (علیهم‌السلام) اشاره می‌شود.

۱. **نهاد حمایت از محرومان:** برخی مسلمانان به علت نداشتن مسکن و خویشاوندی در مدینه در کنار مسجد پیامبر ﷺ ساکن شده بودند؛ به آنان اهل صفا می‌گفتند (واقعی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۲۵۳)، از این رو پیامبر ﷺ ضمن کمک به آنها، مسلمانانی که توان مالی داشتند را تشویق به کمک به آنها می‌نمودند (مستملی بخاری، ۱۳۶۳، ص ۹۳-۱۲۵). بدین ترتیب با کمک به آنان مشکل فقر گروهی از مسلمانان در جامعه نوپای اسلامی تا حد ممکن برطرف گردید؛ لذا ایشان اولین نهاد حمایت از محرومان در اسلام را تشکیل دادند.
۲. **نهاد آموزش و تربیت:** پیامبر ﷺ با ورود به مدینه و تأسیس حکومت اسلامی، توجه ویژه به امر آموزش در زمینه‌های مختلف داشتند. بنا بر این نهاد یاد شده وظایفی چون: آموزش خواندن و نوشتن، آموزش مهارت‌های رزمی، آموزش مهارت‌های فنون مختلف، آموزش زبان‌های بیگانه و... را به عهده داشت. همچنین افراد صاحب علم و مهارت، باید به دیگران آموزش می‌دادند (احمدی، ۱۳۸۵، ص ۱۱۴).
۳. **نهاد کتابت وحی:** مسئولیت اصلی کتابت وحی بر عهده امام علی (علیه‌السلام)، عثمان بن عفان و زید بن ثابت بود. همچنین ۴۲ نفر به‌عنوان کُتَّاب وحی ذکر شده‌اند (احمدی، ۱۳۸۵، ص ۱۱۴).
۴. **نهاد اقتصادی:** با تنوع و بیشتر شدن منابع درآمد و مصارف هزینه‌های عمومی دولت اسلامی، تأسیس نهاد اقتصادی برای حکومت اسلامی ضروری می‌نمود (احمدی، ۱۳۸۵، ص ۱۱۵). منابع درآمد حکومت اسلامی در زمان پیامبر ﷺ شامل زکات، خمس، جزیه، غنایم جنگی و خراج بود (واقعی، ۱۴۰۹، ص ۱۸ و ۳۷۷) و امور مالی به صورت تخصصی سازماندهی شده بودند (ابراهیمی، ۱۳۸۶، ص ۶۶۴-۶۶۵ و ۷۸۶).
۵. **نهاد دفاعی و نظامی:** برای دفاع نظامی، «نهاد دائمی وجود نداشت. ارتش از طریق بسیج عمومی و سازماندهی هنگام عملیات صورت می‌گرفت؛ اما برای آمادگی‌های رزمی، آموزش فنون

نظامی، انبارهای توشه، اصطبل و حتی قرق چهارپایان»، حکومت تدابیر مشخصی در نظر داشت (احمدی، ۱۳۸۵، ص ۱۱۶).

۶. **نهاد قضایی:** «قضاء مظالم که بعدها به دیوان مظالم معروف شد؛ جهت رسیدگی به تخلفات و اجحاف مسئولان حکومتی و کارمندان و کارگزاران نظام اسلامی نسبت به مردم و رعایا تأسیس شده بود. در این دیوان شخص پیامبر صلی الله علیه و آله حکم می نمودند» (احمدی، ۱۳۸۵، ص ۱۱۶).

۷. **نهاد دیپلماسی:** «اعزام سفرا به دربار پادشاهان و امپراتوری‌های بزرگ، آخرین برنامه برای تعقیب هدف رسالت جهانی پیامبر صلی الله علیه و آله بود» (احمدی، ۱۳۸۵، ص ۱۱۶). این امر پس از صلح حدیبیه انجام گرفت.

بدین ترتیب مشاهده می‌شود پیامبر صلی الله علیه و آله در سبک رهبری خود، جهت تأسیس و تشکیل حکومت اسلامی و نظم و انسجام بخشیدن به امور آن، همچنین وحدت رویه مسلمانان اقدام به نهادسازی در زمینه‌های مختلف نمودند. امر نهادسازی در دوران امامت ائمه علیهم السلام نیز ادامه دارد. از «نهاد وکالت»، به‌عنوان مهم‌ترین نهادسازی صورت گرفته توسط امام صادق علیه السلام می‌توان نام برد؛ این نهاد توسط ائمه بعد از ایشان تا زمان امام مهدی علیه السلام گسترش یافته است. با مطالعه این نهاد می‌توان گفت وظایف نهاد وکالت عبارتند از: نقش مالی، ارتباطی، علمی و ارشادی، اجتماعی و خدماتی، جهاد علمی در برابر منحرفان و مدعیان دروغین وکالت و در نهایت زمینه‌سازی ذهنی شیعیان جهت ورود به دوران غیبت (جباری، ۱۳۸۲، ص ۲۸۰-۳۴۰).

نظریه ولایت فقیه پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تأسیس نظام جمهوری اسلامی توسط امام خمینی علیه السلام احیا شد. امام خمینی علیه السلام به‌عنوان رهبر و زمامدار نظام اسلامی افزون بر احیای نظریه ولایت فقیه، محدوده اختیارات آن را نیز با طرح نظریه «ولایت مطلقه فقیه» مشخص نمودند. بر این اساس محدوده اختیارات حکومتی ولی فقیه، در محدوده اختیارات پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام است و تنها تفاوت ولی فقیه با ایشان در زمینه شأن نبوت و امامت ایشان است. به اختصار به برخی از سخنان ایشان که به تفصیل امر ولایت مطلقه فقیه در دو کتاب البیع و ولایت فقیه پرداخته و بر آن تأکید نموده‌اند؛ اشاره می‌شود.

امام خمینی علیه السلام به مشروعیت الهی حکومت ولی فقیه تأکید و بیان می‌نماید: «اما دلایل عقلی و نقلی متعدد، بیانگر آن است که ولایت جامعه اسلامی در زمان غیبت حضرت ولی عصر علیه السلام از سوی شارع مقدس به فقیهان عادل و پارسا تفویض شده است. و هر زمانی که یک فقیه عادل توانست حکومت اسلامی تأسیس کند، بر همه مردم و حتی دیگر فقها لازم است که از آن تبعیت کنند. بنابراین فقیه عادل از سوی شارع مقدس منصوب شده و مشروعیت خویش را از آن ناحیه کسب می‌کند و حکم

وی بر جمیع احکام اولی و ثانوی مقدم است. چنین فقیهی چون نایب امام زمان علیه السلام است، همه اختیارات پیامبر و ائمه اطهار علیهم السلام را در امر حکومت داراست و این گونه نیست که اختیارات فقیه در دایره محدودی باشد، بلکه صاحب ولایت مطلقه است» (امام خمینی رحمته الله علیه، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۴۵۹).

همچنین تأکید می‌نمایند: «حکومت اسلامی، نه استبدادی است و نه مطلقه، بلکه مشروطه است. البته نه مشروطه به معنای متعارف فعلی آنکه تصویب قوانین تابع آزادی اشخاص و اکثریت باشد. مشروطه از این جهت که حکومت‌کنندگان در اجرا و اداره، مقید به یک مجموعه شرط هستند که در قرآن کریم و سنت رسول اکرم صلی الله علیه و آله معین گشته است. مجموعه شرط همان احکام و قوانین اسلام است که باید رعایت و اجرا شود. از این جهت حکومت اسلامی، حکومت قانون الهی بر مردم است» (امام خمینی رحمته الله علیه، ۱۳۹۰، ص ۳۲ و ۳۳). «این توهم که اختیارات حکومتی رسول اکرم صلی الله علیه و آله بیشتر از حضرت امیر علیه السلام بود یا اختیارات حکومتی حضرت امیر علیه السلام بیش از فقیه است، باطل و غلط است» (امام خمینی رحمته الله علیه، ۱۳۹۰، ص ۴۰).

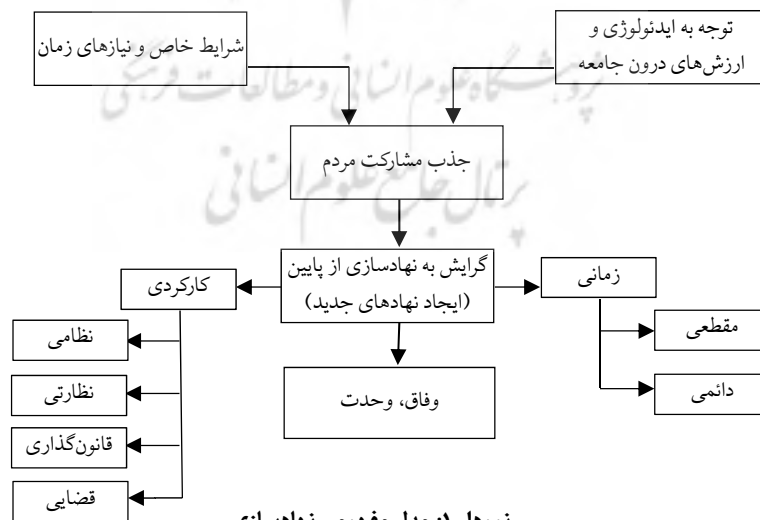
«اموری که از طرف رسول الله صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام واگذار شده، برای آنان (فقها) نیز ثابت است و باید تمام کارهای رسول خدا صلی الله علیه و آله را انجام دهند، چنانکه حضرت امیر علیه السلام انجام داد» (امام خمینی رحمته الله علیه، ۱۳۹۰، ص ۶۵). «تمامی اختیاراتی که در زمینه حکومت و سیاست برای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام ثابت است، برای فقیه عادل نیز ثابت است» (امام خمینی رحمته الله علیه، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۴۶۷). «از آنچه گذشت، این نتیجه حاصل می‌شود که معصومان علیهم السلام در همه اموری که از جهت حاکم بودن بر امت دارای ولایت بودند، فقها نیز دارای همان ولایت از جانب آنها هستند» (امام خمینی رحمته الله علیه، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۴۸۸). «آنچه برای پیامبر صلی الله علیه و آله و امام علیه السلام از جهت ولایت و حکومت‌شان ثابت باشد، برای فقیه نیز ثابت است» (امام خمینی رحمته الله علیه، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۴۸۹).

بدین ترتیب امام خمینی رحمته الله علیه پس از پیروزی انقلاب اسلامی، با تأسیس نهاد مهم ولایت فقیه با الگوگیری از پیامبر صلی الله علیه و آله افزون بر تأسیس حکومت اسلامی، در راستای انسجام و وحدت حکومت اسلامی در سایر زمینه‌ها نیز با توجه به ارزش‌های اسلامی و انقلابی اقدام به نهادسازی نمودند.

می‌توان گفت پس از پیروزی انقلاب‌ها و هنگام تشکیل حکومت جدید و نهادسازی، یک لحظه سازنده و مقطع زمانی خاص و حساس وجود دارد که طی آن رهبران انقلابی، تصمیم‌ها و انتخاب‌های سرنوشت‌سازی درباره شیوه ساخت نهادهای سیاست و دولت را اتخاذ می‌نمایند (میرترابی، ۱۳۹۶، ص ۱۰). آنچه یک لحظه سازنده را از دیگر دوره‌ها جدا می‌کند؛ این است که در لحظه حساس، گزینه‌هایی انتخاب می‌شوند که نظام‌ها را در مسیری از تغییر و تحول پیش برده و پیامدهایی معین را دنبال می‌کنند (ماهورنی،^۱ ۲۰۰۱، ص ۷) چنان‌که پیامبر صلی الله علیه و آله پس از تشکیل

حکومت در مدینه در شرایط خاص و براساس نیازهای زمان اقدام به نهادسازی در زمینه‌های مختلف نمودند؛ و یا در زمان امام صادق (علیه السلام) ایشان با توجه به مقطع زمانی حساس اقدام به تأسیس نهاد وکالت نمودند.

می‌توان گفت نکته مهم دیگر در نهادسازی، نهادسازی از پایین است؛ به عبارتی تصمیم‌های نهادساز نخبگان از ارزش‌های اصلی لایه‌های درونی جامعه تأثیر می‌پذیرد (اونیل، ۱۳۸۵؛ برنل و رندال، ۱۳۸۷). لذا نخبگان تلاش می‌کنند؛ ساختارهای سازمانی و هماهنگ با ارزش‌های درونی جامعه و کارآمد در برابر مشکلات موجود را شناسایی و به کار بندند. در زمان بروز انقلاب‌های اجتماعی، نخبگان که اقشار گسترده‌ای از جامعه را پشت سر خود دارند به بخش مهم ساخت دولت وارد شده و تصمیمات آنها براساس ارزش‌های ایدئولوژی انقلاب که حمایت اکثریت را به همراه دارد، صورت می‌پذیرد. در نتیجه، مشارکتی فعال از درون جامعه جهت ساخت نهادهای جدید به وجود می‌آید که می‌توان آن را با عنوان نهادسازی از پایین توصیف نمود (میرترابی، ۱۳۹۶، ص ۷-۸). هنگامی که نهادها، با ارزش‌های مورد قبول جامعه همخوانی پیدا کنند؛ امکان بازتولید و استمرار می‌یابند (اونیل، ۱۳۸۵، ص ۲۱). «استمرار کارکرد نهادهای یک دولت انقلابی، در شرایط بحران ناشی از فروپاشی نظم گذشته و هنگام روبه‌رویی با انواع تهدیدهای داخلی و خارجی، نشان‌دهنده موفقیت و توانایی نهادسازی دولت است» (میرترابی، ۱۳۹۶، ص ۱۲). براساس چارچوب مفهومی و نظری بحث می‌توان گفت دو مؤلفه مهم یعنی توجه به ارزش‌ها و توجه به مقطع زمان خاص در نهادسازی دارای اهمیت هستند؛ بر این اساس مدل مفهومی شماره ۱ برای پژوهش حاضر قابل ترسیم است.



نمودار ۱: مدل مفهومی نهادسازی

ب) نهادسازی در اندیشه سیاسی و سیره عملی امام خمینی

به منظور پاسخ به سؤال دوم پژوهش ابتدا اندیشه سیاسی و سپس شواهدی از سیره عملی ایشان بیان می‌گردد. اندیشه سیاسی و سیره عملی امام علیه السلام به‌عنوان بنیانگذار و رهبر جمهوری اسلامی ایران حائز اهمیت است. ایشان با اقدامات خود در زمینه نهادسازی در شرایط حساس و بحرانی پس از پیروزی انقلاب اسلامی، ضمن فراهم نمودن شرایط تأسیس و تداوم نظام جمهوری اسلامی ایران، نقش مهمی را در راستای حاکمیت نهادهای قانونی و جلوگیری از استبداد فردی ایفا نمودند.

۱. مؤلفه‌های نهادسازی در اندیشه سیاسی امام خمینی

با توجه به بحث‌های مبانی مفهومی و نظری نهادسازی دو مؤلفه مهم نهادسازی بیان شدند؛ با بررسی بیانات امام علیه السلام می‌توان اهمیت این دو مؤلفه مهم نهادسازی را در اندیشه سیاسی ایشان درک کرد امام خمینی علیه السلام در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی، در جهت تأسیس حکومت اسلامی از مسئله نهادسازی غافل نبودند. ایشان انسجام، اتحاد و پیشرفت حکومت اسلامی را وابسته به حاکمیت قوانین اسلامی و ایجاد جامعه‌ای که قوانین اسلامی در همه زمینه‌ها در آن تسری داشته و تصمیم‌گیری‌ها براساس آن صورت گیرد؛ می‌دانستند. این امر نیز با وجود نهادهایی متناسب با نظام اسلامی امکان‌پذیر بود؛ با بررسی سخنان ایشان می‌توان گفت در اندیشه سیاسی ایشان بر نهادسازی متناسب با ارزش‌های جامعه و براساس توجه به نیازها و موقعیت‌های زمانی خاص تأکید شده است. بنا بر این جهت اثبات این مدعا، اندیشه سیاسی امام علیه السلام براساس سخنان ایشان در این رابطه بررسی می‌گردد.

۱-۱. ایدئولوژی و ارزش‌های جامعه و نقش آنها در نهادسازی در اندیشه سیاسی امام خمینی علیه السلام

امام خمینی علیه السلام به‌عنوان ولی فقیه، رهبر و زمامدار جامعه اسلامی اهمیت نهادسازی متناسب با ارزش‌های جامعه (اسلامی-انقلابی) را درک نموده و لذا به این امر مهم در قول و عمل اهتمام داشتند. ایشان در نهادسازی به نقش، نظر و ارزش‌های مردم اهمیت می‌دادند؛ بر همین اساس ایجاد نهاد حکومت را ناشی از ارزش‌ها و ایدئولوژی جامعه می‌دانند (خمینی، ۱۳۸۷، ج ۴، ص ۳۶۷). از دیدگاه ایشان مردم پشتوانه نهاد حکومت و عامل دوام و استمرار آن هستند (خمینی، ۱۳۸۷، ج ۱۱، ص ۴۵۹ و ج ۵، ص ۳۱۱). اهمیت نقش ارزش‌های مردم در نهادسازی در اندیشه امام علیه السلام را از آنجا می‌توان درک نمود که به صراحت بیان می‌نمایند: «اگر ... همه ملت گفتند ما دیکتاتور می‌خواهیم، شما چه حقی دارید بگویید نه» (خمینی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۵۲۹). ایشان

جمهوری اسلامی را متکی بر آرای عمومی و در راستای خواسته‌های مردم می‌دانند (خمینی، ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۵۱۴-۵۱۵ و ج ۴، ص ۲۶۳ و ۳۴۹ و ۳۵۰). تأسیس حکومت اسلامی براساس ارزش‌های جامعه و آرمان‌های فکری و مذهبی امام علیه السلام اشاره به حکومت مطلوب مورد نظر ایشان داشت (خمینی، ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۳۷۲). امام علیه السلام مبنای نهادسازی در حکومت را احترام به نظر اکثریت قاطع مردم و دور از اراده شخصی می‌دانستند (خمینی، ۱۳۸۷، ج ۵، ص ۴۲۶-۴۲۸).

امام علیه السلام افزون بر تأسیس نهادهای جدید براساس ارزش‌های جامعه، بر تغییر نهادهای موجود بر همین اساس نیز تأکید داشتند (خمینی، ۱۳۸۷، ج ۵، ص ۴۲۶ و ج ۶، ص ۲۴۱ و ج ۷، ص ۴۷۹ و ج ۶، ص ۱۵۲). همچنین ایشان بر جلب نظر مردم در همه مراحل اصرار داشتند (طباطبایی، ۱۳۹۲، ج ۳، ص ۲۶۵). بدین ترتیب امام علیه السلام پس از پیروزی انقلاب اسلامی اقدام به تأسیس نهادهای مورد نیاز جامعه براساس ارزش‌ها و ایدئولوژی حاکم بر جامعه نموده؛ در نهایت نظام جمهوری ایران را تأسیس و حاکمیت آن را تثبیت نمودند. از نظر امام علیه السلام اسلام نیرویی برانگیزاننده حاکمان و مردم است (موسوی الخمینی علیه السلام، بی تا، ص ۷). امام علیه السلام با وجود آگاهی به احساسات اکثریت مردم در فضای انقلابی و همراهی انقلابیون، به انجام عمل نهادی در جهت تأسیس نهادهای سیاسی تأکید داشتند (شاکری، ۱۳۹۷، ص ۲۰۶).

۱-۲. بحران‌های سیاسی و نقش آنها در نهادسازی در اندیشه سیاسی امام خمینی علیه السلام

یکی دیگر از عوامل مؤثر بر نهادسازی بحران‌های سیاسی است. امام علیه السلام به‌عنوان رهبر سیاسی به خوبی به خطر تداوم جو تدروی و انقلابی در روند تأسیس حکومت آگاهی داشت، بنا بر این نگران کند شدن مراحل تأسیس نهادی و جایگزینی دخالت‌های شخصی به جای نهادی، بودند. امام علیه السلام به‌عنوان رهبر انقلاب خطرات و تهدیدات چنین شرایطی را به سوی اقدامات نهادی و تدریجی هدایت نمود (شاکری، ۱۳۹۷، ص ۲۰۱). محور اقدامات نخستین دولت انقلاب اسلامی ایران از نظر امام علیه السلام به شرایط بحرانی پس از انقلاب توجه دارد. در این میان از ایدئولوژی و آرمان‌های اسلامی سخنی نیست. امام علیه السلام به حل سریع مسائل اشاره داشتند. می‌توان گفت این امر حاکی از اراده رهبری در تأسیس نهاد مهم حکومت است. چنان‌که بیان می‌کنند: «این دولت ده‌ها وظیفه سنگین دیگر دارد که البته نیازمند مشارکت همه مردم و رهبران انقلابی نیز هست» (خمینی، ۱۳۸۷، ج ۵، ص ۳۳۳). امام علیه السلام در شرایط بحرانی وجود برخی نهادها را مهم دانسته و حذف برخی نهادها را با توجه به شرایط بحرانی به‌ویژه پس از انقلاب اسلامی مصلحت نمی‌دانند (خمینی، ۱۳۸۷، ج ۶، ص ۱۵۴). امام علیه السلام در شرایط بحرانی علاوه بر تأسیس نهادهای جدید به منظور سامان دادن به اوضاع، توصیه‌هایی به

نهادهای موجود جهت داشتن همکاری و عدم اختلاف می‌نمایند (خمینی، ۱۳۸۷، ج ۱۲، ص ۳۶۳ و ۴۱۳). امام علیه السلام پس از تأسیس و مشخص شدن وظایف نهادها، آنها را به سرعت عمل در انجام وظایف و حل مسائل جامعه دعوت می‌نمایند (خمینی، ۱۳۸۷، ج ۲۰، ص ۴۶۴).

۱-۳. توجه به نیازهای زمان و نقش آنها در نهادسازی در اندیشه سیاسی امام خمینی علیه السلام

امام علیه السلام علاوه بر اینکه بیشترین دلالت‌ها را بر تأسیس حکومت جدید از حوزه اسلام و ایدئولوژی و فقه بیان کردند؛ به نیازهای جامعه نیز آگاهی داشتند (شاکری، ۱۳۹۷، ص ۱۹۷). با توجه به فرایند دولت‌سازی امام علیه السلام مشاهده می‌شود محتوای قوانین، اهداف و برنامه‌های نهادهای سیاسی کشور، در اولویت دوم قرار داشت. چراکه برقراری و تداوم نظم به‌عنوان یک نیاز حیاتی در جامعه بیش از هر امر دیگری اهمیت داشت (شاکری، ۱۳۹۷، ص ۱۹۹-۲۰۰). این امر ناشی از توجه امام علیه السلام به در نظر داشتن تأمین نیازهای ضروری جامعه در راستای نهادسازی بوده است. جمهوری اسلامی با توجه به نیازهای جامعه در شرایط خاص پس از انقلاب اسلامی کارکردهای «رفع تضادها و فقر و تنگدستی، توسعه کشور، گسترش عدالت اسلامی، ...» را در نظر داشت (خمینی، ۱۳۸۷، ج ۶، ص ۳۱۳). امام علیه السلام تأکید داشتند؛ دولت موقت یک دوره انتقالی و شرایط خاص است؛ تأسیس آن جهت رفع نیازهای ضروری جامعه در شرایط پس از انقلاب اسلامی اهمیت داشت (خمینی، ۱۳۸۷، ج ۷، ص ۲۹۵ و ج ۶، ص ۳۵۲). ایشان در شرایط خاص علاوه بر توجه به ایجاد نهادهای مورد نیاز به حمایت از آنها نیز توجه داشته و مانع از ضعف نهادها می‌شدند (خمینی، ۱۳۸۷، ج ۱۲، ص ۲۵۱ و ۲۵۳ و ۲۷۴ و ج ۱۹، ص ۳۰۴-۳۰۵ و ج ۱۴، ص ۱۷ و ۱۸). امام علیه السلام در حکم‌ها و دستورات خود جهت ایجاد نهادهایی متناسب با شرایط خاص و نیازهای آن توصیه، تأکید داشتند (خمینی، ۱۳۸۷، ج ۶، ص ۵۱۸-۵۲۰). بدین ترتیب مشاهده می‌شود؛ امام علیه السلام براساس ارزش‌ها و ایدئولوژی حاکم بر جامعه، بحران‌ها و همچنین شرایط خاص و نیازهای جامعه به نهادسازی تأکید داشته‌اند. ایشان با توجه به عوامل یاد شده در زمینه نهادسازی به مشارکت و حضور مردم در نهادسازی و انجام امور از طریق نهادی توجه نشان می‌دادند. بدین ترتیب موجب شکل‌گیری نهادهایی از پایین شدند.

۲. مصادیق نهادسازی در سیره عملی امام خمینی علیه السلام

نیازهای ناشی از پیروزی انقلاب، مسئولان را بر آن داشت جهت رفع نیازهای انقلاب و حفظ دستاوردهای آن به ایجاد نهادهای انقلابی اقدام نمایند. در این راستا برخی نهادها با مسئولیت

معین، ماهیت انقلابی و برخاسته از متن جامعه و فعالیت‌های درونی انقلاب شکل گرفتند. برخی نهادها به صورت دائمی به فعالیت خود ادامه داده؛ برخی به دلیل مشکلات تحمیل شده ایجاد و جهت حل مقطعی معضلات شکل نهادی یافتند (فخیمی، ۱۳۷۳، ص ۳-۸). بدین ترتیب نهادهای تأسیس شده توسط امام علیه السلام علاوه بر انجام کارکردهای متفاوت، برخی به صورت مقطعی بوده و دچار تغییر شدند (فوزی، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۹۶).

از آنجا که پس از پیروزی انقلاب اسلامی به شورای انقلاب و همچنین نهادهای انقلابی مانند کمیته‌های انقلاب اسلامی، جهاد سازندگی، نهاد گفته شده است؛ لذا در پژوهش حاضر مفهوم نهاد و نهادهای معرفی شده نیز در این اصطلاح به کار رفته‌اند. همچنین در پژوهش حاضر نهادسازی با بیان چند ویژگی تعریف می‌گردد. نهادسازی عبارتست از: ۱. تأسیس سازمانی که قاعده‌ای را نهادینه نماید؛ ۲. از طریق نهادسازی ستیزهای سیاسی به همکاری‌های سالم و مسالمت‌آمیز تبدیل کند؛ ۳. ضمن ساختارمندی هرچه بیشتر نظام جمهوری اسلامی موجب تقویت و تکمیل روند دولت‌سازی گردد؛ ۴. در نهایت نهاد با کارکرد مطلوب خود موجب استمرار وفاق و تحکیم همبستگی ملی شود. در ادامه پاسخ به سؤال دوم پژوهش حاضر، مصادیق نهادسازی در سیره عملی امام علیه السلام بررسی می‌شود.

۲-۱. مصادیق توجه به ایدئولوژی و ارزش‌های جامعه و نقش آنها در نهادسازی در سبک رهبری امام خمینی علیه السلام

به‌طور کلی می‌توان گفت در تمام نهادسازی‌ها، با وجود اولویت مؤلفه بحران‌های سیاسی، توجه به مقاطع حساس و نیازهای زمان در تأسیس نهادها، ارزش‌های جامعه نیز نقش داشته‌اند. در ادامه شواهدی از نهادسازی‌های صورت گرفته براساس ایدئولوژی و ارزش‌های جامعه توسط امام علیه السلام بیان می‌شود.

۲-۱-۱. نهادهای سیاسی: مهم‌ترین نهاد سیاسی و مذهبی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تأسیس جمهوری اسلامی توسط امام خمینی علیه السلام برای اولین بار تأسیس و نهادینه شد؛ نهاد ولایت فقیه است. اگرچه این نهاد سابقه طولانی در اندیشه سیاسی شیعه دارد؛ اما توسط امام خمینی علیه السلام این نهاد، احیا و با قید عنوان «ولایت مطلقه فقیه» اختیارات آن مشخص گردید. چنان‌که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل ۵۷ به اصل ولایت فقیه اشاره و در اصل ۱۱۰ به تفصیل به اختیارات و وظایف این جایگاه پرداخته شده است. بدین ترتیب نهادسیاسی، مذهبی، اجتماعی ولایت فقیه در جمهوری اسلامی ایران نهادینه شده و رسمیت یافته است.

۲-۱-۲. نهادهای تقنینی: مجلس خبرگان قانون اساسی جهت تدوین و تصویب قانون اساسی از جمله این نهادها بود (هاشمی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۲۸). از آنجا که این نهاد پس از انقلاب اسلامی به منظور تصویب قانون اساسی جدید با محتوای اسلامی تشکیل شده بود؛ پس از تدوین قانون اساسی منحل گردید. همچنین مجلس شورای اسلامی را می‌توان به‌عنوان نهاد دائمی با کارکرد قانونگذاری معرفی نمود (فوزی، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۳۴۹). شوراهای اسلامی شهر و روستا نیز پس از انقلاب اسلامی به دستور امام علیه السلام تأسیس شدند (خمینی، ۱۳۸۷، ج ۷، ص ۱۶۷). پس از پیروزی انقلاب، شوراهای مردمی در ادارات، کارخانه‌ها، شهرها، محلات و روستاها شکل گرفته و نظام رهبری گروهی جایگزین ساختار سلسله مراتبی گذشته شد. همچنین نهادهای انقلابی خودجوش براساس اهداف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تشکیل و قدرتمند شدند. این نهادها در دستیابی بخش‌هایی از طبقات پایین در ساخت قدرت نقش مؤثری داشتند (فرازمند، ۱۹۸۹، ص ۱۹۴-۱۹۵).

۲-۱-۳. نهادهای نظارتی: شورای نگهبان را می‌توان نهاد نظارتی دائمی برشمرد. شورای نگهبان به‌عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهای حکومتی در نظام جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌گردد. اعضای اولین دوره آن قبل از افتتاح مجلس شورای اسلامی توسط امام علیه السلام انتخاب شدند (مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۷، ص ۲۳۶).

۲-۱-۴. نهادهای فرهنگی: «دفتر تبلیغات اسلامی اولین نهاد فرهنگی و تبلیغاتی است که به فرمان امام علیه السلام تأسیس شد. این نهاد فرهنگی-مذهبی ابتدا با عنوان «دایره تبلیغات امام» فعالیت می‌کرد؛ سپس به «دفتر تبلیغات امام» تغییر نام داد. مدتی بعد با عنوان حقوقی «دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم» به فعالیت‌های خود ادامه داد (سایت دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، ۱۳۹۷). پس از پیروزی انقلاب اسلامی، از اصلی‌ترین برنامه‌های انقلابیون و رهبران آن سازماندهی مراکز آموزش عالی بود (مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۷، ص ۱۹۵). لذا امام علیه السلام در پیامی بر ایجاد تحول فرهنگی در مراکز آموزش عالی تأکید نموده و طی فرمانی، تشکیل ستاد انقلاب فرهنگی را صادر نمودند (خمینی، ۱۳۸۷، ج ۱۲، ص ۲۰۷ و ۴۳۱-۴۳۲). ایشان دو بار ستاد انقلاب فرهنگی را ترمیم نمودند و در نهایت شورای عالی انقلاب فرهنگی نام گرفت (خمینی، ۱۳۸۷، ج ۱۹، ص ۱۱۰-۱۱۱).

۲-۱-۵. نهادهای نظامی: کمیته‌های انقلاب اسلامی در ۲۳ بهمن ماه ۱۳۵۷ و بسیج مستضعفین از جمله نهادهای مردمی است. امام علیه السلام در آذر ۱۳۵۸ فرمان بسیج مستضعفین را صادر نمودند. پیروزی انقلاب اسلامی به‌عنوان یک انقلاب مردمی موجب شد؛ جهت حاکمیت

مستضعفین، بسیج به صورت نهادی مردمی تأسیس شود (امیراحمدی و پروین، ۱۳۸۱، ص ۱۳۷). پس از تشکیل نیروهای پنج‌گانه سپاه، واحد بسیج مستضعفین سپاه به «نیروی مقاومت بسیج» تغییر نام داد (مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۷، ص ۱۹ و ۲۰). با وجود اینکه در تأسیس این نهاد مؤلفه‌های شرایط بحرانی و نیاز زمان نیز دخیل بوده‌اند؛ اما در تأسیس آن ایدئولوژی و ارزش‌ها نقش اساسی داشته است.

۲-۱-۶. سایر نهادها: انجمن‌های اسلامی دانشجویان (تحکیم وحدت) را می‌توان در این رابطه معرفی نمود (جمعی از نویسندگان، ۱۳۷۹، ص ۹). نام این نهاد با توصیه امام علیه السلام به تحکیم وحدت مشخص شد (کسرایی و پوزش شیرازی، ۱۳۸۸، ص ۱۸۴ و نبوی، ۱۳۸۹، ص ۹۱). یکی دیگر از نهادهایی که در این راستا به دستور امام علیه السلام تأسیس و دائمی شدند؛ دفتر ائمه جمعه و جماعات است؛ که در گستره ملی و زیر نظر امام علیه السلام تأسیس شد. نمازهای جمعه و جماعات در بسیج مردم و افزایش وحدت نقش مؤثری داشته است (شاکری، ۱۳۹۷، ص ۳۱۸). از نظر امام علیه السلام این ساختار نهادی اسلامی علاوه بر جنبه سیاسی در کاهش برخی مشکلات مردم نیز می‌تواند، مؤثر باشد (خمینی، ۱۳۸۷، ج ۱۰، ص ۱۶).

۲-۲. مصادیق توجه به شرایط خاص و نیازهای زمان و نقش آنها در نهادسازی در سبک رهبری امام خمینی علیه السلام

توجه به شرایط خاص و نیازهای زمان در کنار ایدئولوژی و ارزش‌های جامعه، یکی دیگر از عوامل مؤثری است که در تأسیس نهادها نقش مؤثری دارند. پس از انقلاب اسلامی نیز برخی نهادها ضمن متناسب بودن با ارزش‌های جامعه با توجه به این عامل توسط امام علیه السلام تأسیس شده‌اند؛ که در ادامه بررسی می‌شوند.

۲-۲-۱. نهادهای سیاسی: دولت موقت مهم‌ترین نهاد سیاسی و مقطعی بود که از درون شورای انقلاب پدیدار شد (فوزی، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۱۵۶). دولت موقت نشان‌دهنده تشخیص درست امام علیه السلام در مسیر نهادسازی، کاهش جو انقلابی و توجه به ایجاد نظم بود (شاکری، ۱۳۹۷، ص ۱۹۹-۲۰۰). با نگاه کارکردی به تأسیس دولت موقت می‌توان ویژگی نهادی رفع نیازها و توجه به شرایط خاص را در سیره سیاسی رهبری امام علیه السلام مشاهده نمود.

۲-۲-۲. نهادهای تقنینی: در این زمینه می‌توان به شورای انقلاب اشاره کرد؛ این شورا نهادی مقطعی بود که با دستور امام علیه السلام تأسیس گردید. «شورای انقلاب با هدف پر کردن خلأ قانون‌گذاری در شرایطی که هیچ نهاد انقلابی اعم از قانونی و غیر قانونی وجود نداشت، تشکیل و فعالیت خود

را آغاز نمود» (فوزی، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۱۵۵). این شورا به‌عنوان مهم‌ترین نهاد انقلابی تصمیم‌گیری تأسیس و سرانجام با تشکیل مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان، منحل گردید (فوزی، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۱۵۹ و ۱۷۴).

شورای بازرنگری قانون اساسی دیگر نهاد مقطعی است؛ که با توجه به شرایط خاص و نیازهای جامعه تشکیل گردید (هاشمی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۳۶). امام علیه السلام با توجه به نیاز جامعه، دستورات لازم را در خصوص بازرنگری در قانون اساسی صادر نمودند (خمینی، ۱۳۸۷، ج ۲۱، ص ۳۶۳-۳۶۴). نهاد دائمی مجمع تشخیص مصلحت نظام، از نوآوری‌های مهم امام علیه السلام در زمینه تأسیس نهادها با توجه به نقش زمان و درک شرایط خاص است (خمینی، ۱۳۸۷، ج ۲۰، ص ۴۶۴ و ج ۲۱، ص ۳۶۴). هنگام بازرنگری قانون اساسی، مجمع تشخیص مصلحت نظام در ساختار سیاسی کشور جایگاه قانونی یافت (فوزی، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۱۳۴).

۲-۲-۳. نهادهای قضایی: با توجه به نهادهای قضایی تأسیس شده می‌توان گفت امام علیه السلام به نهادسازی در زمینه قضایی توجه ویژه‌ای داشته‌اند. در واقع ایشان با تأکید بر نهادسازی در زمینه قضایی بر نهادینه نمودن عدالت و حاکمیت قانون در جامعه اسلامی تأکید داشته‌اند.

سازمان تعزیرات حکومتی از نهادهای قضایی بعد از انقلاب و برآمده از مشکلات خاص دوران جنگ بود. مشکلات اقتصادی و اجتماعی ناشی از شیوه تولید، توزیع و عرضه کالا در دوران جنگ، موجب شد در سال ۱۳۶۶ با حکم حکومتی امام علیه السلام، دولت اختیارات فوق‌العاده‌ای کسب نموده و این اختیارات زمینه‌ساز تشکیل سازمان تعزیرات حکومتی گردید (مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۷، ص ۱۳۱-۱۳۲). دادگاه ویژه مستقر در شهرداری‌ها از جمله این نهادها است (خمینی، ۱۳۸۷، ج ۱۰، ص ۴۹۸-۴۹۹). همچنین دادگاه‌های انقلاب به همراه دادسرای انقلاب، تشکیلات قضایی انقلابی بودند؛ که در شرایط انقلاب ایجاد شدند (مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۷، ص ۵۹). چگونگی رسیدگی به اقدامات ضد انقلابی عناصر رژیم سابق و برخی مفسدان اجتماعی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود و تأسیس نهادی برای این امر را ضروری می‌نمود (فوزی، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۲۱۴ و ۲۱۶). یکی دیگر از نهادهای قضایی ناشی از فضا و شرایط خاص سال‌های پس از پیروزی انقلاب، دادسرای انقلاب اسلامی است. «محاکمه مقامات و سران رژیم و عناصر شکنجه‌دهنده و عاملان کشتار در رژیم سابق از جمله مسائلی بود که تشکیل مراجع قضایی انقلابی را توجیه می‌کرد» (هاشمی، ۱۳۸۴، ص ۵۱۲-۵۱۳).

دادگاه و دادسرای ویژه روحانیت نیز پس از پیروزی انقلاب اسلامی به فرمان امام علیه السلام تشکیل شد (خمینی، ۱۳۸۷، ج ۷، ص ۴۶۶). روحانیون نقش محوری در دوران مبارزه داشتند؛ پس از

پیروزی انقلاب نیز از جایگاه بالاتری در امور کشور برخوردار شدند؛ بنابراین مسائلی قضایی مخصوص به خود را داشتند (مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۷، ص ۶۳). این نهاد در سال ۱۳۶۴ منحل و مرحله دوم تأسیس آن از سال ۱۳۶۵ آغاز گردید (محمدی ری شهری، ۱۳۶۹، ص ۵۳ و ۲۵۱). یکی دیگر از نهادهای دائمی ستاد اجرایی فرمان هشت ماده‌ای امام خمینی علیه السلام است (خمینی، ۱۳۸۷، ج ۱۷، ص ۱۳۹-۱۴۳ و ۴۶۶-۴۶۷). این نهاد، در راستای عملی شدن اهداف فرمان هشت ماده‌ای امام علیه السلام فعالیت می‌نماید. هیئت عفو زندانیان و محکومین، از نهادهای دائمی است که در سال‌های ابتدایی پس از پیروزی انقلاب اسلامی به منظور نشان دادن رأفت اسلامی و با دستور امام علیه السلام تأسیس شد (مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۷، ص ۱۵۱ و ۳۳۹-۳۴۰).

۲-۲-۴. نهادهای نظامی: با پیروزی انقلاب اسلامی، مسائل و مشکلات جدید و نیاز به تأمین امنیت مردم و اموال عمومی پدید آمد. رسیدگی به این امور مهم موجب شکل‌گیری کمیته‌های مردمی با عنوان کمیته‌های امام گردید؛ بعدها به کمیته انقلاب اسلامی تغییر نام داد (رضوی، ۱۳۷۶، ص ۱۴۷). پس از صدور فرمان امام علیه السلام (خمینی، ۱۳۸۷، ج ۶، ص ۱۲۹)، کمیته‌های انقلاب اسلامی تشکیل شدند (خواجeh سروی، ۱۳۸۴، ص ۲۲۴). سرانجام در پایان جنگ این نهاد در شهربانی و نیروهای ژاندارمری، ادغام و نهاد دیگری به نام نیروی انتظامی تشکیل گردید (فوزی، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۱۵۶ و ۲۱۱).

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از دیگر نهادهای برخاسته از شرایط خاص پس از انقلاب اسلامی است. کمی پس از پیروزی انقلاب اسلامی ضرورت تأسیس و تشکیل آن احساس و پس از مقدماتی، با فرمان امام علیه السلام، تأسیس این نهاد به‌طور رسمی اعلام گردید (دفتر عقیدتی سیاسی فرماندهی کل قوا، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۲۱۵). به منظور مقابله با اقدامات نظامی گروه‌های سیاسی، درگیری‌های قومی، تجزیه‌طلبان و آشوبگران در مناطق مختلف، نظام ناگزیر از تأسیس نهادی در این راستا بود (رضوی، ۱۳۷۶، ص ۱۷۵). این نهاد در بحران‌های مختلف موجب بازگرداندن امنیت و آرامش به کشور گردیده است (فوزی، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۲۱۴).

در ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی به دلایل وجود مشکلات داخلی و هرج و مرج در کشور، توطئه‌های خارجی و نبود قانون، امام علیه السلام فرماندهی کل قوا را بر عهده گرفتند؛ اما در سال ۱۳۵۸ دستور تشکیل ستاد فرماندهی کل قوا را صادر نمودند (مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸، ص ۱۷۰). سپس در اواخر دوران جنگ تحمیلی، جهت هماهنگی نیروهای مسلح، ستاد کل نیروهای مسلح تأسیس شد (مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸، ص ۱۷۱). در نهایت «ستاد

فرماندهی کل قوا» به «ستاد کل نیروهای مسلح» تغییر نام داد. همچنین در شرایط جنگی به دلیل ضرورت وجود یک مرکز فرماندهی که همه تحت نظر آن به وظایف خود عمل نمایند؛ امام علیه السلام در مهر ماه ۱۳۵۹ وظایف شورای عالی دفاع را ابلاغ نمودند (خمینی، ۱۳۸۷، ج ۱۳، ص ۲۶۳-۲۶۴). با مطالعه چگونگی تأسیس این نهاد توجه امام علیه السلام به نهادسازی با توجه به شرایط زمان خاص درک می‌شود (هاشمی، ۱۳۸۴، ص ۱۰۶).

۲-۲-۵. نهادهای علمی-فرهنگی: امام علیه السلام به نقش زنان در جامعه تأکید و در سخنان متعددی به این امر اشاره داشتند (خمینی، ۱۳۸۷، ج ۱۴، ص ۱۹۷ و ج ۱۱، ص ۵۱۰). لذا در سال ۱۳۶۳ دستور تأسیس مکتب بانوان قم را صادر کردند (خمینی، ۱۳۸۷، ج ۱۹، ص ۱۷). همچنین مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام علیه السلام به منظور تدوین، نشر و پژوهش پیرامون اندیشه‌های امام علیه السلام تأسیس گردید. امام علیه السلام در حکمی، مسئولیت تنظیم و تدوین تمامی مطالب مربوط به خود را به فرزندشان واگذار نمودند (خمینی، ۱۳۸۷، ج ۲۱، ص ۱۲۵)؛ لذا مؤسسه مذکور تأسیس گردید (مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۷، ص ۳۰۲). همچنین پس از پیروزی انقلاب اسلامی از مسائل مهمی که مورد تأکید امام علیه السلام قرار گرفت، مسئله سوادآموزی بود. با تأسیس نظام اسلامی برنامه‌ریزی و تأسیس نهادی در این زمینه ضروری به نظر می‌رسید (مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۷، ص ۳۱۲). امام علیه السلام ضرورت این مسئله را یادآور شده؛ مردم و مسئولان را به جهاد سوادآموزی فراخواندند (خمینی، ۱۳۸۷، ج ۱۱، ص ۴۴۶-۴۴۷). لذا نهادی با عنوان سازمان نهضت سوادآموزی تأسیس گردید (مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۷، ص ۳۱۳).

۲-۲-۶. نهادهای خدماتی: پس از انقلاب نهادهای خدماتی تلاش داشتند خلأ اجرایی کشور را برطرف نمایند (فوزی، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۱۵۶). هیئت‌های هفت نفره واگذاری زمین از جمله این نهادهاست که به صورت مقطعی به فعالیت پرداختند. مسئله زمین، علت بحران‌های قومی در مناطق مرزی مانند: کردستان، ترکمن صحرا و... شده بود (بیگی نسوان، ۱۳۷۶، ص ۶۴). لذا قانونی با پیشنهاد دولت موقت و تأیید امام خمینی علیه السلام، به تصویب شورای انقلاب رسید (میلانی، ۱۳۷۸، ص ۱۷۲)؛ و مسئولیت اجرای آن به عهده هیئت هفت نفره گذاشته شد (فوزی، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۲۲۲). این قانون با حمایت امام علیه السلام در شورای انقلاب تصویب گردید (بیگی نسوان، ۱۳۷۶، ص ۶۷). این نهاد در مناطقی که مهم‌ترین بحران موضوع زمین بود و گروه‌های سیاسی و چپ‌گرا نهایت استفاده را برای ایجاد بحران و تفرقه قومی و مذهبی می‌بردند؛ اقدامات مهمی نمود. اما فعالیت آنها تحت تأثیر جنگ تحمیلی قرار گرفته و در نهایت انحلال آنها از سوی مقامات اعلام شد (فوزی، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۲۲۴).

همچنین امام علیه السلام با فرمان خود جهت تأمین مسکن محرومان (خمینی، ۱۳۸۷، ج ۶، ص ۵۱۸-۵۲۰)، اقدام به بسیج مردمی برای تهیه مسکن نموده و به دنبال صدور فرمان امام علیه السلام، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی شکل گرفت (حاضری، ۱۳۸۱، ص ۱۲۱-۱۲۵). بنیاد ۱۵ خرداد نیز به دنبال فرمان امام علیه السلام برای رفع محرومیت و برطرف کردن مشکلات اقتصادی خانواده‌های شهدا، جانبازان و ایشارگران انقلاب اسلامی تشکیل گردید (خمینی، ۱۳۸۷، ج ۱۸، ص ۱ و ج ۲۰، ص ۱۴۱) و مکمل بنیاد شهید انقلاب اسلامی بود (ربیع، ۱۳۷۵، ص ۴۲۵؛ حاضری، ۱۳۸۱، ص ۱۳۹-۱۴۲). بنیاد مستضعفان و جانبازان انقلاب اسلامی نیز با حکم امام علیه السلام (خمینی، ۱۳۸۷، ج ۶، ص ۲۶۷). تأسیس گردیده است. پس از پایان جنگ و لزوم رسیدگی به خانواده‌های جانبازان براساس فرمان امام علیه السلام قسمت امور جانبازان بنیاد شهید انقلاب اسلامی از آن جدا و به بنیاد مستضعفان واگذار شد (خمینی، ۱۳۸۷، ج ۲۱، ص ۵۵-۵۶) و نام آن نیز به بنیاد مستضعفان و جانبازان انقلاب اسلامی تغییر یافت (مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۷، ص ۳۶).

با پیروزی انقلاب حمایت از نیازمندان در رأس برنامه‌های نظام قرار گرفت. لذا کمیته امداد امام علیه السلام به فرمان امام علیه السلام به مدت نامحدود جهت حمایت از محرومان و خودکفا کردن آنان تأسیس گردید (خمینی، ۱۳۸۷، ج ۶، ص ۳۶۷). همچنین پس از پیروزی انقلاب، تسریع در امر سازندگی مناطق محروم و روستاها به دلیل شدت محرومیت، نیازمند حرکت گسترده انقلابی و مردمی بود (فوزی، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۲۱۹-۲۲۰). لذا با فرمان امام علیه السلام مبنی بر ضرورت آبادانی روستاها، جهاد سازندگی تأسیس شد (خمینی، ۱۳۸۷، ج ۸، ص ۱۷۹-۱۸۰). نیاز حیاتی کشور موجب شد؛ جهادسازندگی به تدریج به وزارتخانه تبدیل شود (فوزی، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۲۲۱). سرانجام وزارت جهاد کشاورزی جایگزین دو وزارت کشاورزی و جهاد سازندگی گردید.

۲-۲-۷. سایر نهادها: در پاییز ۵۷، با پیام امام علیه السلام (خمینی، ۱۳۸۷، ج ۵، ص ۳۰۳) کمیته‌ای تحت عنوان کمیته سوخت با هدف حل مشکل سوخت داخلی کشور تشکیل گردید. به دلیل مواجه بودن کشور با کمبود سوخت در روزهای انقلاب، اولویت اول این کمیته، سازماندهی توزیع سوخت در کشور بود (فوزی، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۱۵۵-۱۵۶). این نهاد با توجه به شرایط خاص و نیاز موجود جامعه پس از انقلاب اسلامی، با فرمان امام علیه السلام تأسیس گردید.

همچنین در دوران انقلاب اسلامی و در جریان برخورد عوامل رژیم با مردم، خساراتی به آنها وارد شده بود (حاضری، ۱۳۸۱، ص ۲۶۰). پس از پیروزی انقلاب این افراد، خواهان رسیدگی به این مشکلات شدند. لذا امام علیه السلام تأسیس نهادی با نام صندوق تأمین خسارات انقلاب (صدما) را تأیید نمودند (مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۷، ص ۲۴۷ و ۲۴۹). همچنین با پیروزی انقلاب،

امام علیه السلام دستور مبارزه شدید با قاچاق مواد مخدر را صادر نمودند (خمینی، ۱۳۸۷، ج ۸، ص ۳۹۴). مبارزه با قاچاق مواد مخدر ابتدا توسط کمیته‌های انقلاب اسلامی انجام شد. سپس با تأسیس ستاد مبارزه با مواد مخدر، مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام به تدریج شکل نهادی گرفته؛ با ادغام نیروهای انتظامی فعالیت آن گسترش یافت. به دنبال آن، این تشکیلات، نهاد «ستاد مبارزه با مواد مخدر» نامیده شد (مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸، ص ۱۷۴).

براساس شواهد ذکر شده می‌توان گفت امام خمینی علیه السلام به‌عنوان ولی فقیه و رهبری سنتی و مذهبی؛ از اهمیت نهادسازی در راستای تأسیس و تثبیت نظام و دولت اسلامی غافل نبودند. ایشان از نهادسازی به‌عنوان یکی از راه‌های ایجاد انسجام و وحدت در جامعه استفاده نموده و در مقاطع حخاص با توجه به نیازهای زمان نهادهایی مبتنی بر ارزش‌های جامعه تأسیس نمودند.

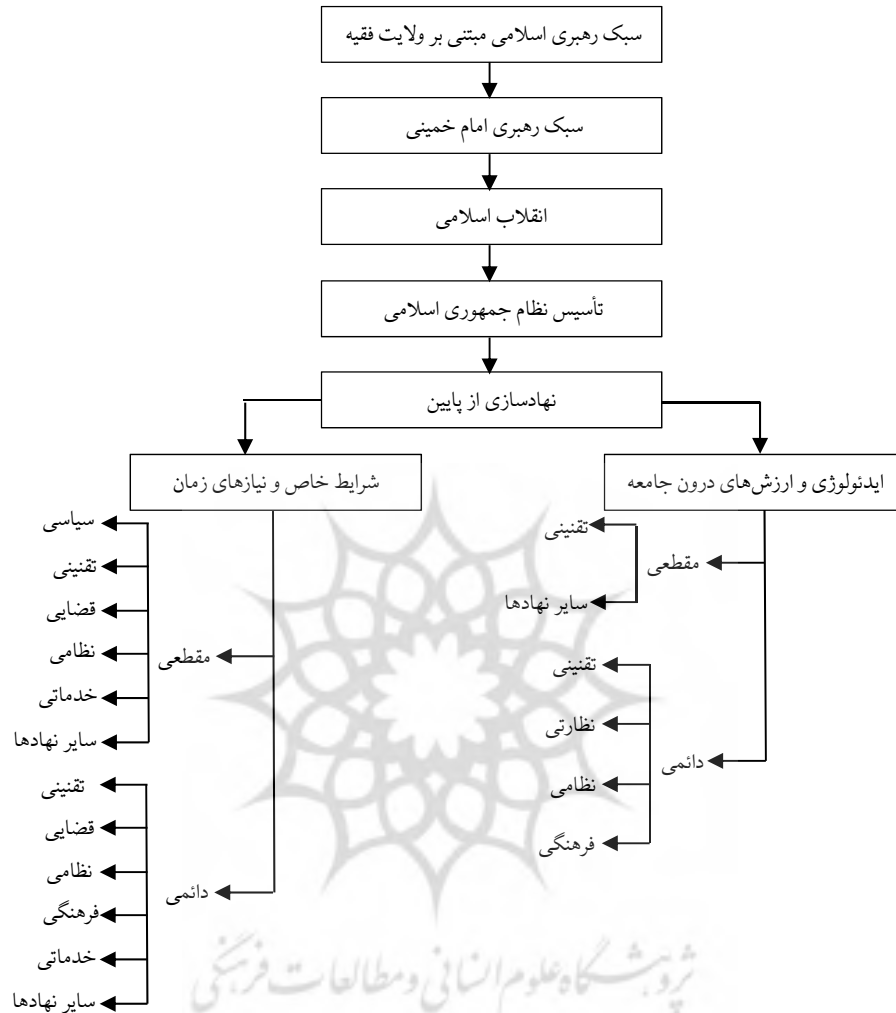
نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر به منظور پاسخ به سؤال نهادسازی در سبک رهبری امام خمینی علیه السلام چگونه انجام گرفته است؟ به رشته تحریر درآمده است. لذا تلاش شد براساس مبانی مفهومی و نظری نهادسازی در اسلام، نهادسازی امام علیه السلام مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد. با بررسی سخنان امام علیه السلام می‌توان دریافت؛ ایشان در نهادسازی به مواردی چون: توجه به ایدئولوژی و ارزش‌های جامعه، شرایط خاص و نیازهای جامعه توجه داشته‌اند. همچنین با بررسی سیره عملی امام علیه السلام، شواهدی به منظور تأیید مدعای پژوهش حاضر ارائه گردید. می‌توان گفت ایشان در سیره عملی خود نیز به تأسیس نهادهایی بر همین اساس اقدام نموده‌اند. با بررسی سیره عملی امام علیه السلام مشاهده می‌شود؛ ایشان با توجه به ارزش‌های جامعه، شرایط خاص و نیازهای جامعه اقدام به تأسیس نهادهایی در زمینه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، تقنینی، قضایی، نظارتی، علمی-فرهنگی و... به صورت مقطعی یا دائمی نموده‌اند. با توجه به شرایط جامعه و نیازهای آن، برخی نهادها مقطعی بوده و با رفع نیاز و شرایط خاص منحل شده؛ گاهی نیز با برخی تغییرات به نهادی دائمی تبدیل شده‌اند.

امام علیه السلام در زمینه نهادسازی به نقش ایدئولوژی و ارزش‌های حاکم بر جامعه تأکید بسیار داشتند؛ چنانکه نظام جمهوری اسلامی را ناشی از خواست مردم می‌دانند. بدین ترتیب نظام سیاسی کشور برگرفته از ایدئولوژی و ارزش‌های جامعه بوده؛ لذا می‌توان گفت ساخت نهادها براساس نهادسازی از پایین صورت گرفته است؛ در این رابطه می‌توان به نهاد نیروی مقاومت بسیج اشاره نمود. همچنین ایشان با توجه به شرایط بحرانی پس از انقلاب و دوران جنگ به نهادسازی و عمل نهادی توجه و تأکید داشته و آن را راه خروج از وضعیت بحران می‌دانستند. امام علیه السلام همچنین

به نهادسازی متناسب با نیازها و شرایط خاص نیز توجه داشتند. توجه و تأکید به نهادسازی در سبک رهبری امام علیه السلام موجب جلوگیری از اختلاف، استبداد رأی در نهایت وحدت و انسجام و همبستگی در جامعه شده است.

در الگوی نهادسازی جمهوری اسلامی، ایجاد، توسعه نهادها و تکیه بر نقش آنها در تمام مراحل تأسیس و تثبیت نظام مشاهده می‌گردد (غفاری، ۱۳۹۶، ص ۲۶۶-۲۶۷). امام علیه السلام به عنوان ولی فقیه و رهبر سیاسی-مذهبی؛ ضمن غفلت نکردن از امر مهم نهادسازی و اهمیت آن در دولت‌سازی، در نهادسازی به ارزش‌ها، ایدئولوژی و شرایط و مقتضیات جامعه اسلامی توجه داشته و به تأسیس نهادهایی با محتوای اسلامی و ارزش‌های انقلابی نیز تأکید داشته‌اند. امام علیه السلام در جهت تأسیس ساختارهای نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران بیشتر اقدام به نهادسازی در بخش‌های تقنینی، سیاسی، خدماتی، نظامی، قضایی و... نموده‌اند. براساس شواهد ذکر شده می‌توان گفت امام علیه السلام طی سال‌های تأسیس و تثبیت نظام به صورت هدفمند اقدام به نهادسازی نموده‌اند. امام خمینی علیه السلام با اهتمام به نهادسازی تلاش داشته‌اند فردمحوری را به قاعده و قانون‌محوری تبدیل نمایند. همچنین از آنجا که ایشان به نهادسازی در زمینه‌های مختلف اقدام نموده‌اند؛ به دولت‌سازی، تثبیت و تحکیم آن و همچنین ایجاد ثبات در جامعه انقلابی کمک نمودند. ضمن اینکه می‌توان گفت یکی از عوامل پایداری نظام پس از انقلاب، نهادسازی‌های صورت گرفته است. همچنین امام خمینی علیه السلام با کمک به تأسیس نهادهای جدید، تقویت و حمایت نهادهای تأسیس شده در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، تقنینی و... توان بالای خود را در ایجاد دولت‌سازی پس از انقلاب اثبات نموده‌اند. براساس یافته‌های پژوهش حاضر، مدل مفهومی شماره ۲ در رابطه با نهادسازی در سبک رهبری امام علیه السلام قابل ترسیم است.



نمودار ۲: نهادسازی در سبک رهبری امام خمینی علیه السلام

منابع

۱. قرآن
۲. ابراهیمی، حسین (۱۳۸۶)، پژوهش و تحقیقی نو در سیره نبی اعظم، قم: ثقلین.
۳. احمدی، محمدرضا (۱۳۸۵)، «درآمدی بر سیره مدیریتی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله»، حصون، شماره ۹، پاییز، ص ۹۸-۱۲۲.
۴. امیراحمدی، هوشنگ و منوچهر پروین (۱۳۸۱)، ایران پس از انقلاب، ترجمه دکتر علی مرشدی زاد، تهران: باز.
۵. اونیل، مایکل (۱۳۸۵)، مبانی سیاست تطبیقی، ترجمه سعید میرترابی، تهران: قومس.
۶. بیگی نسوان، حسین (۱۳۷۶)، «اصلاحات ارضی در جمهوری اسلامی»، فصلنامه ۱۵ خرداد، شماره ۲۵، بهار، ص ۵۷-۸۰.
۷. جباری، محمدرضا (۱۳۸۲)، سازمان وکالت و نقش آن در عصر ائمه علیهم السلام، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۸. جمعی از نویسندگان (۱۳۷۹)، دفتر تحکیم وحدت، تهران: کوثر.
۹. حاضری، مهدی (۱۳۸۱)، امام خمینی علیه السلام و نهادهای انقلاب اسلامی، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۱۰. خواجه سروی، غلامرضا (۱۳۸۴)، خاطرات آیت الله مهدوی کنی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۱۱. خمینی، روح الله (۱۳۸۷)، صحیفه امام، تهران: عروج.
۱۲. خمینی، روح الله (۱۳۷۹)، البیع، جلد ۲، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۱۳. خمینی، روح الله (۱۳۹۰)، ولایت فقیه، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۱۴. دفتر عقیدتی سیاسی فرماندهی کل قوا (۱۳۷۷)، روزها و رویدادها، ج ۱، تهران: رامین.
۱۵. ربیعی، منیژه (۱۳۷۵)، بنیاد ۱۵ خرداد، دانشنامه جهان اسلام، جلد ۴، تهران: بنیاد دائرة المعارف اسلامی.
۱۶. رضوی، مسعود (۱۳۷۶)، هاشمی و انقلاب (تاریخ سیاسی ایران از انقلاب تا جنگ)، تهران: همشهری.
۱۷. رندال، ویکی؛ برنل، پیتر (۱۳۸۷)، مسائل جهان سوم: مطالعه سیاست در جهان در حال توسعه، ترجمه احمد ساعی و سعید میرترابی، تهران: قومس.

۱۸. شاکری، سیدرضا (۱۳۹۷)، درآمدی بر رهبری سیاسی امام خمینی علیه السلام (با تأکید بر عمل نهادی، مدیریت نخبگان و رابطه مردمی)، تهران: عروج.
۱۹. شهیدی، سیدجعفر (۱۳۸۵)، تاریخ تحلیلی اسلام، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۲۰. طباطبایی، صادق (۱۳۹۲)، خاطرات سیاسی و اجتماعی، تهران: عروج.
۲۱. علیدوست، ابوالقاسم (۱۳۹۶)، هدف پیامبر رهایی انسان‌ها بود؛ نهادهای رسول خدا در صدر اسلام، پایگاه خبری مجلس مازندران.
۲۲. غفاری، مصطفی (۱۳۹۶)، از نیمه خرداد: طرحی از اندیشه و رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، تهران: نهضت نرم‌افزاری (وابسته به انتشارات انقلاب اسلامی)،
۲۳. فخریمی، فرامرز (۱۳۷۳)، تحولات سازمان‌های دولتی ایران از مشروطیت تا انقلاب اسلامی، تهران: نشر فرهنگ.
۲۴. فوزی، یحیی (۱۳۸۴)، تحولات سیاسی اجتماعی بعد از انقلاب اسلامی در ایران (جلد اول و دوم)، تهران: عروج.
۲۵. کسرابی، محمدسالار و علی پوزش شیرازی (۱۳۸۸)، «مطالعه سیر تغییر در دفتر تحکیم وحدت (۱۳۵۸-۱۳۷۶)»، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال ۴، شماره ۴، پاییز، ص ۱۷۵-۲۰۰.
۲۶. کوئن، بروس (۱۳۸۴)، درآمدی بر جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: توتیا.
۲۷. محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۶۹)، خاطرات سیاسی، تهران: مؤسسه انتشارات و پژوهش‌های سیاسی.
۲۸. مستملی بخاری، امام ابوالبراهیم (۱۳۶۳)، شرح التعرف المذهب التصوف، تصحیح محمد روشن، تهران: اساطیر.
۲۹. موسوی خمینی علیه السلام، روح‌الله (بی‌تا)، کشف الاسرار، بی‌جا.
۳۰. مرکز اسناد انقلاب اسلامی (۱۳۸۷)، فرهنگ‌نامه نهادهای انقلاب اسلامی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۳۱. میلانی، علی (۱۳۷۸)، «کشاورزی ایران»، اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۱۴۱ و ۱۴۲، خرداد و تیر، ص ۱۷۲-۱۸۵.
۳۲. میرترابی، سیدسعید (۱۳۹۶)، «شیوه‌ها و ابعاد نهادسازی در روند ساخته شدن دولت پس از انقلاب از منظر نهادگرایی تاریخی»، دولت‌پژوهی، بهار، دوره ۳، شماره ۹، ص ۱-۴۱.
۳۳. نبوی، عباس (۱۳۸۹)، «نقدی بر ۱۰ ساله آخر دفتر تحکیم وحدت»، برداشت اول، شماره ۱۲ و ۱۳، بهمن و اسفند، ص ۹۱.

۳۴. واقدی، محمد بن سعد (۱۴۰۹)، طبقات، ج ۱، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران: نشر نو.

۳۵. هاشمی، سید محمد (۱۳۷۵)، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، ج ۱، قم: مجتمع آموزشی عالی.

۳۶. سایت دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، آخرین بازدید ۱۳۹۷.

37. Farazmand, Ali. (1989), *The State, Bureaucracy, and Revolution in Modern Iran: Agrarian Reforms and Regime Politics*. New York: Praeger.

38. Mahoney, James (2001) "Beyond Correlational Analysis: Recent Innovations in Theory and Method," *Sociological Forum* 16(3)

